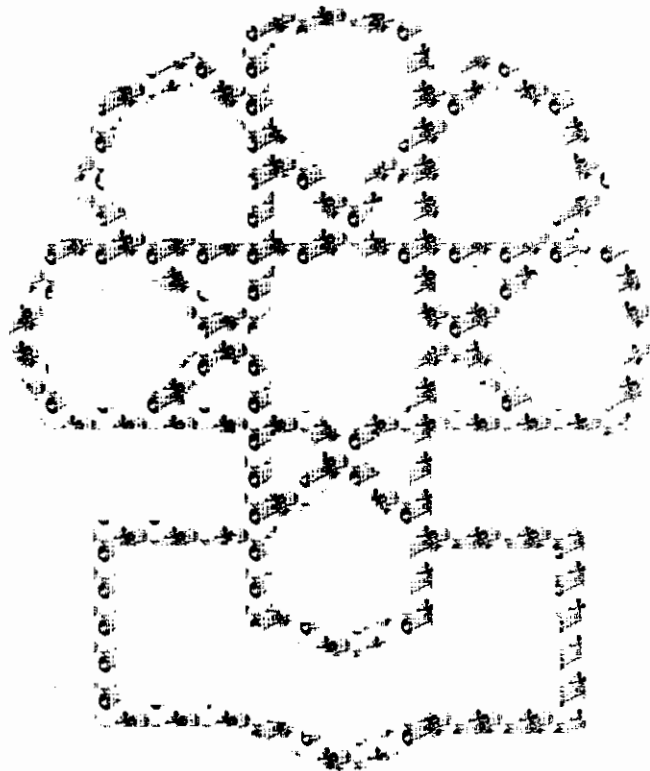


سیاست‌های ارزی در بودجه ۱۳۷۸ کل کشور

درباره لایحه بودجه ۷۸ - شماره (۲۱)



معاونت پژوهشی
آذر ۱۳۷۷

کار: دفتر بررسی‌های اقتصادی

کد گزارش: ۱۶۰۴۰۶۷

پژوهش
تاریخ
شماره: ۱۸۱۲
ایم: ۱۰۰۰۰۰۰۰

بسمه تعالی

سیاست‌های ارزی در بودجه ۱۳۷۸ کل کشور

دربارۀ لایحۀ بودجه ۷۸ - شماره (۲۱)

کد گزارش: ۱۶۰۴۰۶۷

فهرست مطالب

۲	نکات برجسته
۳	۱- مقدمه
۳	۲- مضامین ارزی تبصره ۲۹
۴	۱-۲- چند نرخ‌ی شدن قیمت ارز
۵	۲-۲- صادرات غیرنفتی و واردات و تراز پرداخت‌ها
۶	۲-۳- بدهی‌های خارجی کشور
۷	۲-۴- تخصیص‌های ارزی
۷	۳- تبصره‌های دیگر ارزی
۸	۴- نتیجه‌گیری و چند توصیه

با توجه به شرایط فعلی بازار نفت و احتمال تداوم رکود اقتصادی جهان مجموع درآمدهای نفتی کشور حدود ۱۰ میلیارد دلار خواهد بود و به تبع آن درآمدهای ریالی حاصل نیز از ۱۷۵۰۰ میلیارد ریال فراتر نخواهد رفت. کاهش درآمد ارزی باعث کاهش ارزش قابل پرداخت توسط بانک مرکزی گردیده و درآمدهای ریالی حاصل از فروش ارز یا به دست نخواهد آمد یا مستلزم افزایش شدید در نرخ مؤثر ارز خواهد بود. از نکات منفی دیگر تبصره ۲۹ می‌توان به احتمال فعال شدن حساب ذخیره تعهدات ارزی و تشدید تورم، افزایش بدهی‌های خارجی و نامشخص بودن تخصیص‌های ارزی اشاره کرد. در مقابل، افتتاح حساب ارزی برای ارزهای داخلی و خارجی از نکات مثبت این تبصره است. تلاش در جهت صرفه‌جویی در خرید کالاهای اساسی و تأمین کسود از داخل از دیگر ویژگی‌های مثبت این تبصره می‌باشد. در شرایط فعلی، انتظار می‌رود حساب جاری و تراز پرداخت‌های کشور در سال آینده با کسری روبه‌رو شده و ذخایر ارزی کشور حدود ۲ میلیارد دلار کاهش یابد.

عمده‌ترین مباحث مربوط به سیاست‌های ارزی کشور به شکلی کلی در قالب تبصره ۲۹ لایحه بودجه ذکر گردیده است. البته در تبصره‌های دیگر نیز اشاراتی به مسئله ارز و چگونگی استفاده و تخصیص آن شده است (نظیر تبصره‌های ۱۴، ۵، ۲ و ۲۸)، اما مفاد تبصره ۲۹ در این ارتباط نقشی غالب دارد. بدین جهت در ابتدا این تبصره و سپس تبصره‌های دیگر مورد بحث قرار می‌گیرند و در قالب آنها به مباحثی نظیر نرخ ارز، درآمد ریالی حاصل از فروش ارز، تعهدات خارجی، تراز تجاری و دیگر مباحث ارزی خواهیم پرداخت.

۲- مضامین ارزی تبصره ۲۹

در تبصره ۲۹ درآمدهای ارزی حاصل از فروش نفت خام ۱۰/۶۱ میلیارد دلار و صادرات فرآورده‌های نفتی ۱/۴۷ میلیارد دلار پیش‌بینی گردیده است که هر دو آنها در مقایسه با پیش‌بینی عملکرد سال جاری^۱ به ترتیب نزدیک به ۴ و ۲۶ درصد افزایش نشان می‌دهد (ارقام مذکور به ترتیب ۹/۶۵ و ۱/۱۷ میلیارد دلار برآورد شده بودند). شایان ذکر است که حتی اگر روزانه ۲/۳ میلیون بشکه نفت به قیمت ۱۲ دلار برای هر بشکه صادر شود که احتمال آن با توجه به شرایط فعلی بازار نفت بعید می‌نماید، تنها حدود ۱۰ میلیارد دلار از فروش نفت خام به دست خواهد آمد. بنابراین می‌توان گفت که درآمد ارزی حاصل از فروش نفت دارای خطای برگ‌نمایی است. به همین ترتیب، از آنجا که با کاهش قیمت نفت، قیمت فرآورده‌های نفتی نیز کاهش می‌یابد، به احتمال زیاد درآمد حاصل از فروش فرآورده‌ها نیز محقق نخواهد شد. «در شرایط فعلی» به نظر نمی‌رسد که درآمد حاصل از فروش نفت و فرآورده‌های آن حتی به ۱۰ میلیارد دلار برسد.^۲ البته ممکن است گفته شود که با افزایش قیمت بنزین در واردات آن صرفه‌جویی و بر توان صادرات افزوده می‌شود. اما با توجه به کثرت قیمتی بسیار کم بنزین و ثابت ماندن قیمت آن برای مصارف متعارف، افزایش تولید خودرو و سهم گروه‌های پردرآمد در مصرف بنزین، احتمال این صرفه‌جویی بسیار ضعیف است. بنابراین، درآمد نفت و فرآورده‌های آن حدود ۲ میلیارد دلار کمتر از ارقام لایحه خواهد بود، مگر آن که بازار نفت بهبود قابل ملاحظه‌ای پیدا کند (شاید به لحاظ همین مسئله است که دولت محترم در لایحه بودجه ۱۳۷۸، کاهش در مانده تعهدات ارزی را با ۰/۵ میلیارد دلار کاهش نسبت به سال‌های قبل، رقمی حدود ۱/۱۴ میلیارد دلار در نظر گرفته است). بدین ترتیب، منابع ارزی مبنای درآمد ریالی چیزی حدود ۱۰ میلیارد دلار (معادل ۱۷۵۰۰ میلیارد ریال) خواهد شد که نسبت به رقم ۲۱۱۴۷ میلیارد ریالی لایحه ۱۸ درصد کاهش نشان می‌دهد.

به علاوه، اگر پیش‌بینی‌ها صحیح از کار درآید با عنایت به رقم پرداخت تعهدات ارزی کشور، بانک مرکزی قادر خواهد بود تنها برای واردات کالا و خدمات به میزان ۸/۸۶ میلیارد دلار پرداخت یا تعهد نماید (این رقم در لایحه بودجه ۱۰/۹۴ میلیارد دلار ذکر شده است).

نکته مهم دیگری که در این تبصره پیش‌بینی شده است آن است که بانک مرکزی نرخ ارز را به گونه‌ای تعیین نماید که از محل فروش ارز رقمی حدود ۱۱/۸۶ هزار میلیارد ریال درآمد کسب کند. اگر کل ارز قابل

۱. مربوط به پیش‌بینی انجام شده در شهریور ماه می‌باشد.

۲. در واقع درآمد حاصل از پیش‌فروش نفت در سال جاری نیز باید از رقم فوق کسر شود، مگر آن که این امر در سال آینده نیز تکرار شود اما از آنجا که میزان پیش‌فروش نفت در سال جاری معلوم نیست، از آن صرف‌نظر شده است.

تعهد و پرداخت ۸/۸۶ میلیارد دلار باشد با عنایت به این نکته که چیزی حدود ۲/۸ میلیارد دلار آن به مصرف کالاهای اساسی و دارو خواهد رسید، برای کسب ۱۱/۸۶ هزار میلیارد ریال، بانک مرکزی تنها می‌تواند حداکثر ۶ میلیارد دلار را به قیمتی بالاتر از نرخ رسمی ارز به فروش برساند. بدین ترتیب برای دستیابی به درآمد فوق‌الذکر بانک مرکزی مجبور خواهد بود هر دلار آن را به طور متوسط به قیمت ۳۷۲۶ ریال عرضه نماید.^۱ جهت مقایسه می‌توان به عملکرد بودجه سال ۱۳۷۶ مراجعه کرد. در این سال کل درآمد ارزی نفت ۱۴/۹۶ میلیارد دلار بود که ۱/۶۴ میلیارد دلار آن صرف کاهش تعهدات ارزی کشور گردید. بنابراین رقمی حدود ۱۳/۳ میلیارد دلار می‌توانست توسط بانک مرکزی پرداخت یا تعهد شود. درآمد ریالی حاصل از فروش ارز در سال مزبور ۱۰۵۰ میلیارد ریال بود. با کسر رقم ۲/۸ میلیارد دلار برای کالاهای اساسی، بانک مرکزی از ۱۰/۵ میلیارد دلار ۱۰۵۰ میلیارد ریال به دست آورد (به جز ۱۷۵۰ ریال به ازای هر دلار از طریق درآمدهای نفتی به قیمت شناور) یعنی هر دلار را به طور متوسط به قیمت ۲۷۵۰ ریال فروخته است.

نکته مهم دیگر تبصره ۲۹ آن است که در بند ج-۴ این تبصره اجازه داده شده است که کسری ریالی پرداخت تعهدات خارجی در صورت عدم تکافو از طریق حساب واسطه ذخیره تعهدات ارزی تأمین گردد که این امر می‌تواند با افزایش نقدینگی و تورم، بر فشار بر نرخ ارز در بازار بیفزاید.

نکته مثبتی که در این تبصره وجود دارد در بند (ف) این تبصره است که طبق آن دولت مکلف گردیده است سیاست‌های ارزی را به گونه‌ای تنظیم نماید که بانک‌ها بتوانند حساب‌های ارزی داخلی و خارجی افتتاح نمایند. این نکته از آن رو حائز اهمیت است که می‌تواند در صورت اجرای صحیح نه تنها بخشی از مازاد ارز حاصل از صادرات و ارزهای خارج شده از کشور را به سیستم بانکی بازگرداند بلکه با جذب ارزهای داخلی، در جهت محدود ساختن معاملات ارزی در بازار آزاد نیز نقش مؤثری ایفا نماید. طبعاً چنین امری به مفهوم آزادسازی نسبی حساب سرمایه نیز خواهد بود زیرا این سپرده‌ها علی‌الاصول باید بتوانند به داخل کشور وارد یا از کشور خارج شوند.

۲-۱- چند نرخ‌ی شدن قیمت ارز

گرچه یکسان بودن نرخ ارز یکی از خط‌مشی‌های اصلاح نظام تجارت خارجی در برنامه دوم توسعه بود، لکن از اوایل سال ۱۳۷۴ با تثبیت نرخ ارز صادراتی و ثابت نگاهداشتن نرخ رسمی ارز، افزایش قیمت واریزنامه و معاملات ارز در بازار آزاد باعث گردید که اختلاف میان نرخ‌های رسمی و صادراتی و دیگر نرخ‌های ارز به سرعت افزایش یابد و کاهش درآمدهای ارزی دولت در سال جاری نیز این فاصله را افزایش داده است.

در لایحه بودجه ۱۳۷۸ تسعیر درآمدهای حاصل از فروش نفت و فراورده‌های نفتی به قیمت شناور (۱۷۵۰ ریال برای هر دلار) تصریح گردیده است و با توجه به تأکیدات ریاست محترم جمهور به نظر می‌رسد نرخ صادراتی دلار (۳۰۰۰ ریال) نیز همچنان ادامه یابد. از سوی دیگر، کاهش درآمدهای ارزی و الزام به کسب درآمد از محل فروش ارز به میزان ۱۱/۸۶ هزار میلیارد ریال دو گزینه را در پیش روی بانک

۱. از آنجا که علاوه بر کالاهای اساسی هزینه‌های دیگری نیز در بودجه ارزی دولت با نرخ رسمی فروخته می‌شود رقم مورد بحث کمتر از ۶ میلیارد و متوسط قیمت فروش آن بیش از ۳۷۲۰ ریال خواهد شد. اما به دلیل دراختیار نبودن ترکیب بودجه ارزی در مورد میزان ارز قابل اختصاص به نرخ‌های صادراتی و واریزنامه‌ای نمی‌توان به رقم دقیقی رسید. در سال ۱۳۷۶ قرار بود نزدیک به نیمی از بودجه ارزی کشور به نرخ صادراتی فروخته شود. یقیناً مقداری نیز با نرخ واریزنامه‌ای به فروش رسیده است.

مرکزی قرار می‌دهد: اول، تخصیص و فروش بخش بیشتری از ارز صادراتی به نرخ واریزنامه‌ای و اجازه دادن به افزایش کنترل شده قیمت واریزنامه. دوم، عدم تغییر ترکیب ارزهای صادراتی و واریزنامه‌ای و اجازه دادن به افزایش شدید قیمت واریزنامه. حالت اول، ضمن جلوگیری از افزایش شدید تفاوت قیمت رسمی ارز با ارز واریزنامه‌ای باعث می‌گردد تا بخش بیشتری از ارز به قیمت‌های واقعی به فروش برسد و بدین لحاظ گامی خواهد بود در جهت تک‌نرخ کردن ارز، در حالی که در حالت دوم با افزایش فاصله میان نرخ‌های رسمی و واریزنامه‌ای و حفظ ترکیب فعلی تخصیص ارز، گامی به عقب محسوب می‌شود. شایان ذکر است که با افتتاح حساب‌های ارزی داخلی و خارجی و امکان نقل و انتقال آنها، امکان دارد نرخ ارز جدیدی به نرخ‌های فعلی اضافه شود لکن این نرخ نباید تفاوت چندانی با نرخ بازار آزاد داشته باشد زیرا این دو ارز علی‌القاعده به سرعت قابل تبدیل به یکدیگر خواهند بود.

بدیهی است هرچه بازار جهانی نفت رکود طولانی‌تری را تجربه نماید، درآمدهای ارزی کشور کمتر و فشار تورمی بیشتر خواهد بود و این امر به نوبه خود به افزایش سریع‌تر نرخ ارز در بازار آزاد و ارز حساب‌های ارزی کمک خواهد کرد و بر فاصله میان نرخ‌های رسمی و آزاد ارز خواهد افزود.

۲-۲- صادرات غیرنفتی و واردات و تراز پرداخت‌ها

صادرات غیرنفتی کشور در سال آینده تابع سه عامل مهم خواهد بود. اول، رکود اقتصادی جهان که از طریق کاهش تقاضا و افزایش رقابت، قیمت محصولات صادراتی کشور را به شدت کاهش داده است. پیش‌بینی‌های موجود توسط بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول حکایت از تداوم و حتی تشدید رکود اقتصادی جهان دارد. از این رو، این عامل حداکثر در جهت تثبیت و به احتمال زیاد در جهت کاهش ارزش صادرات غیرنفتی ماعمل خواهد کرد. دوم، میزان تورم و افزایش هزینه‌های تولید در داخل. در این زمینه نیز به احتمال قریب به یقین نرخ تورم در سال آینده بسیار بیشتر از سال جاری خواهد بود و شاخص قیمت عمده فروشی بیش از ۲۰ درصد و شاخص قیمت خرده‌فروشی حدود ۳۰ درصد افزایش خواهد یافت. بنابراین، از این جهت نیز به صادرات فشار کاهنده وارد خواهد شد. عامل سوم، نرخ ارز واریزنامه است که تا حدود زیادی تحت کنترل بانک مرکزی است. در حال حاضر نرخ ارز واریزنامه تقریباً مناسب است و به همین جهت در ماه‌های اخیر روند کاهش صادرات غیرنفتی نسبت به ماه‌های مشابه سال قبل متوقف و حتی معکوس گردیده است. لکن در صورتی که این نرخ به تناسب نرخ تورم در سال آینده افزایش نیابد، روند بهبود صادرات متوقف خواهد گردید.^۱ البته امکان افتتاح حساب ارزی در خارج در صورتی که بتوان با این ارزها واردات سودآور انجام داد می‌تواند باعث افزایش نرخ مؤثر ارزهای حاصل از صادرات گشته و به تقویت صادرات کمک کند. اما در حال حاضر این امر قطعی نیست. در مجموع و با در نظر گرفتن احتمالات تغییر در عوامل فوق انتظار نمی‌رود صادرات غیرنفتی از رقم ۳/۵ میلیارد دلار فراتر رود.

در مورد واردات، عمده‌ترین عوامل تعیین‌کننده عبارتند از میزان درآمدهای ارزی کشور که بانک مرکزی را قادر به فروش ارز در سقف تعیین شده برای واردات کالا و خدمات خواهد نمود. با توجه به شرایط فعلی و چشم‌انداز رکود اقتصادی جهان، بعید به نظر می‌رسد که بانک مرکزی بتواند بیش از ۸/۸ میلیارد دلار به این امر اختصاص دهد. حال اگر حدود ۳ میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات غیرنفتی در سال

۱. پیش‌بینی ما این است که نرخ واریزنامه در اواخر سال آینده به ۷۰۰۰ ریال و قیمت ارز آزاد به ۹۵۰۰ ریال خواهد رسید.

جاری نیز در سال آینده تماماً صرف واردات شود و واردات جزئی دیگر نیز به حساب آورده شود، جمع واردات کشور در سال آینده چیزی حدود ۱۲ میلیارد دلار خواهد شد. البته اگر به ارزشهای داخل و خارج از کشور نیز امکان واردات داده شود احتمال دارد رقم مزبور به ۱۴ میلیارد دلار نیز برسد اما از آنجا که این امر به منزله واردات بدون انتقال ارز خواهد بود و بر نرخ ارز در بازار آزاد تأثیر خواهد نهاد، بعید به نظر می‌رسد واردات نامحدود با این ارزشها اجازه داده شود و در بهترین شرایط، احتمال می‌رود واردات کالاهای مندرج در فهرست مجاز مورد عمل قرار گیرد.

بدین ترتیب تراز تجاری کشور در سال آینده در دو حالت فوق برابر خواهد بود با:

$$(1) \quad 10 + 3/5 - 12 = +1/5 \quad \text{میلیارد دلار}$$

$$(2) \quad 10 + 3/5 - 14 = -0/5 \quad \text{میلیارد دلار}$$

از آنجا که کشور ما به طور خالص واردکننده خدمات می‌باشد برای رسیدن به رقم تراز حساب جاری می‌توان حدود ۲ میلیارد دلار دیگر از ارقام فوق کسر نمود و به ترتیب به ارقام $-0/5$ و $-2/5$ میلیارد دلار رسید.

برای رسیدن به رقم تراز حساب سرمایه لازم است به چندین عامل توجه شود. اول، رقم $1/1$ میلیارد دلار بازپرداخت تعهدات ارزی کشور؛ دوم، میزان تلاش و توفیق دولت در استمهال بدهی‌های سررسید شده؛ سوم، میزان توفیق دولت در جلب و جذب سرمایه‌های خارجی. در مجموع و با در نظر گرفتن احتمالات هر کدام^۲ پیش‌بینی می‌شود که تراز حساب سرمایه کشور نیز با کسری حدود ۱ میلیارد دلار رو به رو گردد. بدین ترتیب، تراز پرداخت‌های کشور در دو حالت فوق به ترتیب با $-1/5$ و $-3/5$ میلیارد دلار کسری رو به رو خواهد بود و به همین میزان از ذخایر ارزی کشور کاسته خواهد شد. بدیهی است در صورتی که تمهیدی اندیشیده شود که واردات از طریق حساب‌های ارزی دارای منشأ داخلی و خارجی میسر گردد. بخشی از $3/5$ میلیارد دلار کسری تراز پرداخت‌ها از طریق انتقال ارزشهای خارج از کشور به داخل و بخش دیگری از آن نیز از طریق ارزشهای موجود در بازار تأمین خواهد شد و کاهش ذخایر ارزی کشور تنها به حدود $1/5$ میلیارد دلار محدود خواهد گردید.

۲-۳- بدهی‌های خارجی کشور

مشکلات ارزی کشور که از اواسط امسال تشدید گردیده است، بازپرداخت به موقع بدهی‌های کشور را در سال ۱۳۷۷ با مشکل رو به رو ساخته و اخباری دال بر عدم پرداخت کامل بدهی‌ها در ۳ ماهه سوم سال منتشر گردیده است. طبعاً با ادامه شرایط فعلی بازار نفت امکان پرداخت به موقع بدهی‌های کشور در سال ۱۳۷۸ چندان محتمل نخواهد بود.^۳ در سال جاری در اصلاحیه بودجه ۱۳۷۷ به دولت اجازه داده شد که نسبت به پیش فروش نفت یا استقراض خارجی به میزان ۱ میلیارد دلار اقدام نماید که شق اول احتمال بازپرداخت بدهی‌های سال آینده را تضعیف می‌کند و شق دوم رسماً به تعهدات خارجی کشور می‌افزاید. نکته دیگر آن

۱. احتمالاً بین ۱ تا ۱/۵ میلیارد دلار از این کسری از طریق ارزشهای انتقالی از خارج کشور قابل تأمین خواهد بود مشروط بر آنکه انگیزه لازم برای ورود این ارزشها به کشور (جهت واردات) فراهم گردد

۲. اخیراً در مورد استمهال بدهی‌های ایران به آلمان، ژاپن و ایتالیا، جمعاً به میزان ۳ میلیارد دلار، مطالبی منتشر شده است.

۳. شایان ذکر است که رقم سررسید بدهی‌های خارجی کشور در سال ۱۳۷۸ (۳/۷) میلیارد دلار ذکر گردیده که به مراتب کمتر از ارقام ۷/۷ میلیارد دلاری سال ۱۳۷۶ و ۴/۳ میلیارد دلاری سال ۱۳۷۷ است. در مقابل، درآمدهای حاصل از فروش نفت و فراورده‌های نفتی نیز در سال ۱۳۷۸ حدود ۵ میلیارد دلار کمتر از سال ۱۳۷۶ خواهد بود

که در لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ پیشنهاد شده است که دولت به عوض پرداخت ۱/۶۴ میلیارد دلار از تعهدات ارزی کشور تنها ۱/۱۴ میلیارد دلار پرداخت نماید. بدین ترتیب با احتمال استقراض ۱ میلیارد دلار در امسال، حتی در صورت پرداخت ۱/۱۴ میلیارد دلار، تعهدات ارزی کشور کاهش قابل ملاحظه‌ای نخواهد یافت. این در حالی است که برخی از پرداخت‌های ارزی سال جاری نیز با تأخیر صورت می‌گیرد. مذاکراتی برای استمهال قریب به ۳ میلیارد دلار از بدهی‌های خارجی کشور در جریان است و در لایحه بودجه ۱۳۷۸ نیز پیشنهاد شده است طرح‌هایی به شکل بیع متقابل یا فاینانس انجام شود که ۵/۴ میلیارد دلار به شکل بیع متقابل، ۲/۵ میلیارد دلار به صورت فاینانس با بازپرداخت از محل تولید و ۱/۲ میلیارد دلار به صورت فاینانس خواهد بود که لافل مورد آخر به طور قطع بر تعهدات خارجی کشور خواهد افزود. بدین ترتیب، حتی با لحاظ نمودن معاملات بیع متقابل و فاینانس با بازپرداخت از محل تولید به عنوان بدهی‌های خارجی کشور، بدهی‌های ارزی کشور در سال آینده چه به لحاظ اصل تعهدات و چه از نظر سود قابل پرداخت،^۱ افزایش خواهد یافت.

۲-۴- تخصیص‌های ارزی

یکی از ایرادات لایحه بودجه سال ۱۳۷۸ کل کشور (همانند بودجه سال‌های قبل) مشخص نبودن بودجه ارزی کشور و شیوه تخصیص آن است. تنها در بندهای خاصی نظیر بازپرداخت بدهی‌ها، بند (د-۲) تبصره ۲۹، بند (د-۳) تبصره ۲۹ و بند (ج) تبصره ۲۸ مبالغ ارزی معینی به دستگاه‌ها اختصاص یافته است. اما معلوم نیست سهمیه کالاهای اساسی، پروژه‌های ملی و شرکت‌های دولتی و دیگر بخش‌های اقتصاد به چه میزان و با چه نرخ است. حتی برای حصول به درآمد ریالی پیش‌بینی شده از محل فروش ارز توسط بانک مرکزی، دست این بانک برای تعیین نرخ ارز مورد نظر (یا ترکیب ارز تخصیصی صادراتی و واریزنامه‌ای و شاید فروش در بازار آزاد) باز گذاشته شده است. بدین ترتیب، بخش‌های اقتصادی کشور از میزان و نرخ ارز تخصیصی بی‌اطلاع مانده است و سرنوشت آنها در گرو رکود یا بهبود بازار نفت خواهد بود. گرچه، یک نکته مشخص است و آن این‌که در صورتی که بانک مرکزی بخواهد با درآمدهای ارزی قابل تحقق به درآمد ریالی مورد نظر دست یابد، نرخ مؤثر ارز در سال آینده باید به شدت افزایش یابد که این به مفهوم حرکت به سمت تخصیص بیشتر ارز به نرخ واریزنامه‌ای خواهد بود.

۳- تبصره‌های دیگر ارزی

تبصره‌های دیگر چندان اهمیتی ندارند. در بند (ی) تبصره ۲ استفاده از سهمیه ارزی به منظور کسب درآمد و تبدیل آن به ارز آزاد ممنوع شده است که علی‌الاصول حرف درستی است اما با توجه به مضایق ارزی موجود به نظر نمی‌رسد که سازمان‌ها ارز زیادی برای این کار داشته باشند. در بند (ک) تبصره ۵ نیز صرفه‌جویی ارزی حاصل از خرید کالاهای اساسی به صورت قلّه به نرخ واریزنامه‌ای فروخته شده و درآمد آن به حساب درآمد عمومی کشور واریز خواهد گردید. در تبصره (۱۴) نیز هزینه ثبت سفارش کالا برای کالاهای

۱. تعهدات ارزی کشور با احتساب بهره‌های قابل پرداخت و اعتبارات اسنادی گشایش شده بسیار بیش از بدهی‌های خارجی کشور است. متأسفانه بند (ج) تبصره ۲۲ قانون برنامه دوم توسعه با تعیین سقف ۲۵ میلیارد دلاری برای ارزش کل بدهی‌ها و تعهدات کشور، از بهره برداشتنی غفلت نموده است و عملاً اجازه داده است تا کل تعهدات ارزی کشور از رقم ۲۵ میلیارد دلار نیز فراتر رود.

غیراساسی مبلغ ۲۵۰ ریال به ازای هر دلار تعیین شده است که تفاوتی با رقم سال قبل ندارد. در تبصره (۲۸) نیز دولت اجازه می‌باید تا سقف ۵۰ میلیون دلار از سهمیه ارزی واردات کود را برای تولید آن در داخل اختصاص دهد.

۴- نتیجه‌گیری و چند توصیه

کاهش درآمدهای نفتی مانند همیشه درآمد ارزی و ریالی دولت را کاهش داده و از طریق تحدید واردات و بودجه جاری و عمرانی دولت اقتصاد را به طرف کاهش رشد اقتصادی و رکود هدایت خواهد کرد. متأسفانه در صورت ادامه رکود فعلی در اقتصاد جهان و وضعیت موجود بازار جهان نفت، درآمدهای ارزی و ریالی دولت در لایحه پیشنهادی محقق نخواهد شد و کسری بودجه و تورم، گریزناپذیر خواهد شد. در این شرایط، استقراض خارجی و کسری بودجه از طریق سیستم بانکی بدترین سیاست‌های ممکن است. در مقابل، استفاده هر چه بیشتر از سرمایه‌های داخلی و سرمایه‌گذاری‌های خارجی، فروش شرکت‌های دولتی و طرح‌های نیمه تمام به مردم و تسهیل و تشویق هر چه بیشتر صادرات غیرنفتی از جمله راه کارهای صحیح در تأمین منابع ارزی و ریالی کشور خواهد بود. مواردی نظیر پیش فروش نفت و استمهال بدهی‌ها نیز چندان قابل توصیه نیستند زیرا تنها مشکل را به سال‌های آتی منتقل می‌کنند. در مقابل، تضمین امنیت مالکیت و سرمایه نه تنها می‌تواند فعالیت‌های اقتصادی را در داخل کشور تحریک نماید بلکه قادر به جذب ارزهای خارج شده از کشور نیز خواهد بود.

در مجموع، برای رفع مضیقه ارزی کشور و افزایش درآمدهای مالیاتی پیشنهادهای زیر قابل طرح است:

- ۱- دادن مجوز واردات به ارزهای داخل و خارج از کشور مشروط به این‌که از طریق شبکه بانکی کشور و از کالاهای مندرج در فهرست کالاهای قابل ورود با ارز حاصل از صادرات باشند؛
- ۲- افزایش نرخ ارز محاسبه حقوق گمرکی و سود بازرگانی از نرخ رسمی به نرخ صادراتی؛
- ۳- افزایش تدریجی قیمت واریزنامه متناسب با نرخ تورم در کشور و خودداری از تثبیت مصنوعی آن؛
- ۴- ممنوع کردن و محدود ساختن واردات کالاهایی که تولید داخلی آنها در حد کافی است (نظیر آهن، فولاد، کاغذ و...);
- ۵- تسهیل ورود موقت کالا جهت صدور بعدی آن؛
- ۶- تسهیل ورود توریست به کشور و صادرات چمدانی؛
- ۷- در نهایت، افزایش نرخ رسمی ارز (بدون افزایش متناسب در بودجه ریالی سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی) یکی دیگر از راه‌های قابل پیشنهاد است که نیازمند بحث گسترده و جداگانه‌ای است.